M Mss 465

و خونهای ما را طلب کرد پس خدا رحمت کند مختار را بخدا سوگند که خبر داد مرا پدرم که در خدمت فاطمه دختر امیرالمؤمنین بود و
رخت خواب از برای ایشان مهیا میکرد و وسادها از برای ایشان میگذاشت پس خدا رحمت کند پدر تو را هیچ حقی از حقوق ما را نزد هیچ احدی نگذاشت
مگر آنکه طلب کرد آن را و طلب خونهای ما کرد و کشندگان ما را کشت و ایضا بسند معتبر از عمر بن علی ابن الحسین روایت کرده است
که گفت چون سر عبیدالله بن زیاد علیه اللعنه و سر عمر بن سعد را از برای پدرم آوردند بسجده درآمد و گفت حمد میکنم خدا
را که طلب کرد خون ما را از دشمنان ما و خدا مختار را جزای خیر دهد و ایضا بسند معتبر از امام جعفر صادق روایت کرده است
که هیچ زنی از زنهای بنی هاشم موی سر خود را شانه نکرد و خضاب نکرد تا آنکه مختار سرهای قاتلان آنحضرت را فرستاد و ابن نما از عمر بن
علی ابن الحسین روایت کرده است که اول مختار از برای پدرم بیست هزار دینار فرستاد پدرم قبول کرد و خانه عقیل ابن ابیطالب را
و خانهای دیگر از بنی هاشم که خراب کرده بودند پدرم با آن زرها ساخت و چون مختار آن مذهب باطل را اختیار کرد
بعد از آن چهل هزار دینار از برای پدرم فرستاد پدرم قبول نکرد و رد کرد و ایضا بسند معتبر از امام محمد باقر روایت کرده
است که مختار نامه بخدمت امام زین العابدین نوشت با هدیه چند بخدمت آنحضرت فرستاد چون رسولان او در خانه آنحضرت
رسیدند رخصت طلبیدند که داخل شوند حضرت فرمود که دور شوید من هدیه دروغگویان را قبول نمیکنم و نامه ایشان را
قبول نمیکنم و نمیخوانم پس آن رسولان عنوان نامه را محو کردند و بجای او نوشتند که این نامه ایست بسوی مهدی محمد ابن علی و آن
نامه را بردند بسوی محمد ابن حنفیه و او هدیه را قبول کرد و نامه نوشت بجواب او و فضل ابن شاذان بسند معتبر از حضرت
صادق روایت کرده است که چون حق تعالی خواهد که انتقام بکشد برای دوستان انتقام میکشد برای ایشان بدترین خلق خود
که انتقام کشید برای یحیی ابن زکریا به بخت النصر که بدترین خلق خدا بود و ابن ادریس بسند معتبر از حضرت صادق روایت
کرده است که چون قیامت شود حضرت رسالت و حضرت امیرالمؤمنین و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات
الله علیهم بر صراط بایستند پس کسی از میان جهنم سه مرتبه فریاد کند که بفریاد من برس یا رسول الله و حضرت جواب نگوید
پس سه مرتبه ندا کند که یا امیرالمؤمنین بفریاد من برس که کشنده دشمنان تو ام پس باز حضرت جواب نگوید پس سه مرتبه
ندا کند که یا حسین بفریاد من برس که من کشنده دشمنان تو ام پس حضرت رسول بحضرت امام حسین گوید که حجت بر تو
تمام شد بفریاد او برس پس حضرت امام حسین مانند عقابی که شکار میکند خود را باو رساند و او را از میان جهنم بیرون آورد راوی گفت که او
کیست فدای تو شوم حضرت فرمود که مختار گفتم چرا او را در جهنم عذاب خواهند کرد با آن کارهائی که او کرد حضرت فرمود
که در دلش اگر میشکافتند هر آینه محبتی از محبت ابوبکر و عمر میدیدند و بحق آن خداوندی که محمد را براستی فرستاده است
سوگند یاد میکنم که اگر جبرئیل و میکائیل را در دل اندکی از محبت ایشان باشد هر آینه حق تعالی ایشان را بروی در جهنم اندازد
و بعضی از کتب معتبره روایت کرده اند که مختار از برای حضرت امام زین العابدین صد هزار درهم فرستاد و حضرت نخواست
که قبول کند ترسید که بر مختار رد کند منتشر گردد و آن مال را در خانه ضبط کرد و چون مختار کشته شد حقیقت

بفریاد او برس پس حضرت امام حسین مانند عقابی که بجهد و جانوری را برباید او را از میان جهنم بیرون آورد و در اوی گفت که او
کی خواهد بود فدای تو شوم حضرت فرمود که مختار گفت چرا او را در جهنم عذاب خواهند کرد و آن کارهای که او کرد حضرت فرمود
که در دل او اندکی محبت کامنه بود هر آینه بعضی از محبت ابوبکر و عمر و بعد از او ظاهر می شد که حق تعالی خداوندی که محمد را براستی فرستاده است
سوگند یاد میکنم که اگر در دل جبرئیل و میکائیل و اولوالعزم قلبی از محبت ایشان باشد هر آینه حق تعالی ایشان را برو در جهنم اندازد
و بعضی از کتب معتبره روایت کرده اند که مختار برای حضرت امام زین العابدین صد هزار درهم فرستاد و حضرت نخواست
که قبول کند تو رسید که بر مختار رد کند منصرف و رد کرد و دیگر دیر مال را در خانه نهاد اگرچه چون مختار کشته شد حقیقت

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش بی مثل و ثنای سزاوار خداوند لم یزلی سزد که بتذکر مصائب و استماع نوائب سربازان مسالک قرب

و وصال مهجوران فنا تا ... معارف اطاعت و امتثال خود را موجب جلای عیون ارباب ایمان و یقین گردانیده و غبار

فتنه اشرار را در نظر بادیه پیمایان مراحل معرفت تا کحل الجواهر ابصار و آبروی عزت و افتخار بدرجات بقیا

برتر ساخته و صلوات متوالیات و تحیات متواترات بر سید انبیا و نخبه اصفیا خلاصه ارباب محنت و

بلا نقاوه اصحاب مصیبت و ابتلا قهرمان فرمای عوالم غیب و شهود و مقصد قصد نشین محفل قرب رب معبود و شفیع

درماندگان روز جزا و نخبه و زهرهٔ بستان عالم بود احمد صلی الله علیه و آله و سلم و بر آل بهتر از آنش که بصیقل

ولای محبت خود آئینه سینه‌های مومنان را از زنگ شکوک و شبهات جلا داده قابل انعکاس گل رخسار مخزن

سخن حسن و عقیدت ساخته‌اند و در بوستان شجاعت گلهای رنگارنگ شهادت بباد فنا داده مشام جان

مجرمان را بنسیم شفاعت نواخته‌اند و صلوات الله علیه و علیهم اجمعین و لعنة الله علی اعدائهم و قاتلیهم و

ظالمیهم الی یوم الدین تشنه لب زلال فیض ربانی و آرزومند دار السعادت جاودانی محمد باقر

ابن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما بر الواح ضمایر ارباب ایمانی و خواطر اذکیای روحانی تصویر و تقریر مینماید که چون

بمقتضای اخبار متواتره و آثار متظاهره تذکر و تفکر و گریستن و گریانیدن و محزون شدن و محزون

ساختن بر بلاها و محن اهل بیت رسالت که از مصیبتهای جمیع مقربان بارگاه احدیت عظیم‌تر است و سبب اجر

این مصائب از مدائح که مقربان و ابتلای مرسلان و شایستگان و بندگان ارض و سما و مرغان هوا و ماهیان

دریا و وحشیان صحرا از همه مصیبتها بیشتر است اعظم طاعات و اشرف قربات و سبب نیل سعادت و فوز

درجات میگردد و اطلاع بر احوال سعادت مآل پیشوایان دین و مقربان درگاه رب العالمین موجب قوت ایمان

و یقین میشود و در هنگام حوادث دوران و حدوث نوایب زمان و تفکر در آلام و مصائب ایشان

در راضی شدن بقضاهای ربانی و رفع نزول وساوس شیطانی تاثیر عظیم دارد و ... در این باب بعربی

و فارسی در رسالت تالیف کرده‌اند بعضی ناقص و ناتمام است و بعضی از کتب معتبره و اخبار مخالفان

اخذ نموده‌اند که اعتماد را نمی‌شاید و بسا باشد که بسوی جمعی که مایه وافری از علم نداشته باشند ضرر عظیم

نماید و موجب خلل در عقاید ایمانیه ایشان گردد و این شکسته در کتاب بحار الانوار آنچه متعلق باحوال ائمه

ایشان است در چند مجلد استیفا کرده‌ام و در کتاب حیوة القلوب نیز اکثر آنها بر وجه اختصار ذکر

شده است و چون در کتاب اول عوام را چندان انتفاعی نیست و تحصیل کتاب دویم بر اکثر مردم متعذر است

لهذا